

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۰۸ جنوری ۲۰۲۳

مرگ مشروعیت و قانونیت در افغانستان!

شنبه - ۱۷ جدی ۱۴۰۱ - کابل: از دو روز بدین سو که نمایندگان نظام ملاسالار، قرارداد سپردن استخراج نفت از حوزه آبی "دریای آمو" را در ولایات "سرپل، جوزجان و فاریاب" با یک شرکت غارتگر چینی به امضاء رسانیده، تعدادی از رسانه های داخلی و خارجی و برخی افراد و نهاد ها به جای آن که محتوای چنین قراردادهایی را که در ضدیت با منافع ملی مردم ما و غارتگرانه است مورد انتقاد قرار دهند، صرف به یک بعد قضیه که طالب و نظام ملاسالار فاقد قانونیت و مشروعیت است، گیر داده چنان تبلیغ می دارند که اگر چنین قراردادی با حاکمیت های پوشالی گذشته و یا جبهه ملی نام نهاد گرگ زاده منعقد می شد و یا شود، دیگر دنیا گل و گلزار می گردید. در یادداشت امروز به همین مناسبت مکث کوتاهی دارم راجع به مرگ مشروعیت و قانونیت در افغانستان طی ۵ دهه اخیر.

هرگاه بحث ما را محدود به چهارونیم دهه اخیر یعنی از فاجعه خونبار ۷ ثور ۱۳۵۷ بدین سو بسازیم و حاکمیت های وابسته و منقاد خاندان طلایی را شامل بحث نسازیم، دیده می شود که از همان نخستین روز حاکمیت نوکران روس تا امروز، تمام حاکمیت هایی که در افغانستان به وجود آمده، هیچ یک از آنها مشروعیت و در پی آن قانونیت نداشته؛ همه آنها یا محصول کودتاها پیهم بوده و یا هم محصول تجاوزات اجنبی ها و اشغالگران. زیرا:

وقتی ما از مشروعیت حرف می زنیم می باید صریح و آشکار بنویسیم که این مشروعیت فقط و فقط می تواند برخاسته و منبعث از اراده و خواست توده های میلیونی ما می باشد نه این که منظور از مشروعیت اراده گویا "آسمانی" از نوع نظام ملاسالار کنونی و یا ولایت فقیه و یا هم شناسائی ملل متحد و کشورهای زورمند و اشغالگر دور و نزدیک.

یعنی به همان سان که مشروعیت مردمی هیچ ربطی به دین و دیانت و یا قرآن و خدا ندارد، هیچ ربطی به پذیرش ملل متحد و کشور های جهان نیز ندارد. یعنی هرگاه یک نظام سیاسی از جانب توده های میلیونی کشور ما مورد پذیرش قرار گیرد و توده ها آن پذیرش را از طریق دادن رأی مستقیم و آزادانه شان به اثبات برسانند، مشروعیت مردمی دارد و این که بعد از آن خدا و قرآن و یا ملل متحد و تمام کشور های جهان در موردش چه خواهند گفت، پیشیزی ارزش ندارد.

وقتی یک نظام سیاسی دارای مشروعیت مردمی شد و قوانینی را که جهت اداره امور وضع می نماید، نیز مورد تأیید مردم خودش قرار گرفت، در آن صورت می توان از مشروعیت و قانونیت یک نظام در یک خطه معین سخنی به میان آورد.

با این تعریف برگردیم به کشور ما افغانستان از مقطع فاجعه خونبار و ننگین ۷ ثور ۱۳۵۷ بدین سو.

همان طوری که می دانیم از همان تاریخ بدین سو، تمام حاکمیت ها بدون استثناء نه تنها منبعث از اراده و خواست توده های میلیونی کشور ما نمی باشند و همیشه بر مبنای اراده و خواست قدرت های خارجی و اشغالگران به وجود آمده و حافظ منافع آنها بوده اند، بلکه تا مغز استخوان در ضدیت و دشمنی خونین با مردم افغانستان قرار داشته، جهت تحمیل و تعمیل اراده استعمار، میلیونها تن از هموطنان ما را کشته، زخمی، آواره و بی خانمان ساخته اند.
هموطنان گرامی!

وقتی ما از عدم مشروعیت و قانونیت نظام ملاسالار صحبت به عمل می آوریم می باید متوجه این باریکی باشیم که نفی حاکمیت کنونی، نباید ما را به منجلا ب و باتلاق تأیید حاکمیت گذشته بیندازد. این را از اول باید بدانیم که هم حاکمیت منبعث از اراده و خواست اشغالگران در وجود حاکمیت های پوشالی "حامدکرزی" و "غنی احمدزی" نامشروع بود، زیرا نه تنها اراده مردم ما را بازتاب نمی داد بلکه مخالف اراده آزادیخواهانه مردم ما بود و در نتیجه تمام قوانینی را که آن اداره نامشروع به وجود آورده بود و در پرتو آن گویا انتخابات هائی را به راه انداخته، همه فاقد مشروعیت مردمی و بی اعتبار بوده هدفی جز مشروعیت بخشی و تثبیت یک حاکمیت مستعمراتی نداشته اند.

هرگاه از این منظر حرکت ننمائیم و عدم مشروعیت و فقدان قانونیت را در نظام ملاسالار محدود بسازیم، گذشته از این که در باتلاق تأیید حاکمیت های پوشالی "کرزی، احمدزی" فرو خواهیم رفت، به نحوی با به رسمیت شناختن موافقتنامه دوحه که پشتوانه بین المللی در سطح شورای امنیت و قبولی حاکمیت پوشالی را نیز با خود داشت، نظام ملاسالار را نیز رسمی و قانونی و حتا مشروع خواهیم دانست. زیرا این نظام محصول زدوبند هائیسست که موافقتنامه دوحه آن را باعث شده است.

هموطنان گرامی!

برای ما این نظام نامشروع و تمام قوانینی را که اعلام دارد بی اعتبار است، زیرا مشروعیت مردمی ندارد. در نتیجه هرکاری که بکند نامشروع می باشد.

و اما به ارتباط قراردادش با شرکت چینی!

ما این قرار داد را بر مبنای محتوایش خاینانه و غارتگرانه گفتیم و به همان سان که همکار گرانقدر پورتال آقای "پاینده پایمرد" از لحاظ اقتصادی و حفظ محیط زیست تشریح نمودند، آن را ضد منافع ملی خویش می دانیم، در نتیجه برای ما هیچ فرقی نمی کند که چنین قراردادی را با چنین محتوایی چه کس و کدام حاکمیت امضاء می کند، هرکسی که آن را امضاء نماید، نفس قرارداد را خاینانه، غارتگرانه و ضد منافع ملی مردم و کشور خود می دانیم و علیه آن با تمام توان مبارزه خواهیم نمود. نوعیت و جابه جایی حاکمیت ها در صورت حفظ محتوا هیچ تأثیری در نگرش ما به وجود نخواهد آورد. چون در آنصورت برای ما مهم نیست که یک سند و یک قرارداد ضد منافع ملی و خاینانه را چه کسی امضاء نموده، هرکسی را که چنان قراردادی را امضاء نماید، خاین به منافع ملی کشور می دانیم.

در نتیجه ما این قرارداد را خاینانه و غارتگرانه می دانیم نه بدان علت که آن را یک طالب امضاء نموده و کسی از حاکمیت پوشالی ساقط شده و یا نماینده جبهه نامنهاد امضاء نکرده است، اگر آنها و هرکس دیگری هم که این قرارداد را امضاء نماید، امضاء کننده را خاین، عمل را خیانت و قرارداد را خاینانه می دانیم.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!